

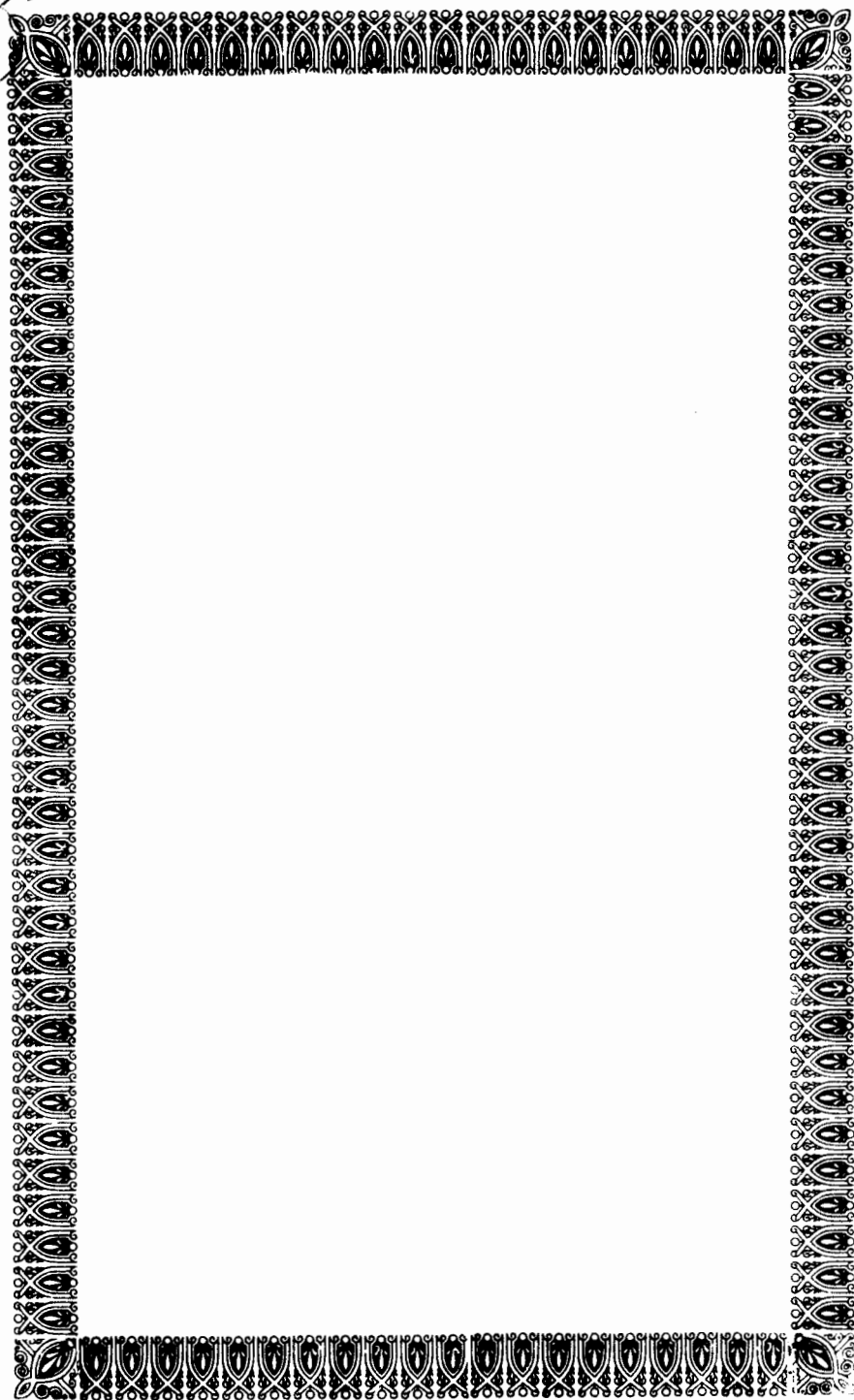
نیایش‌ها

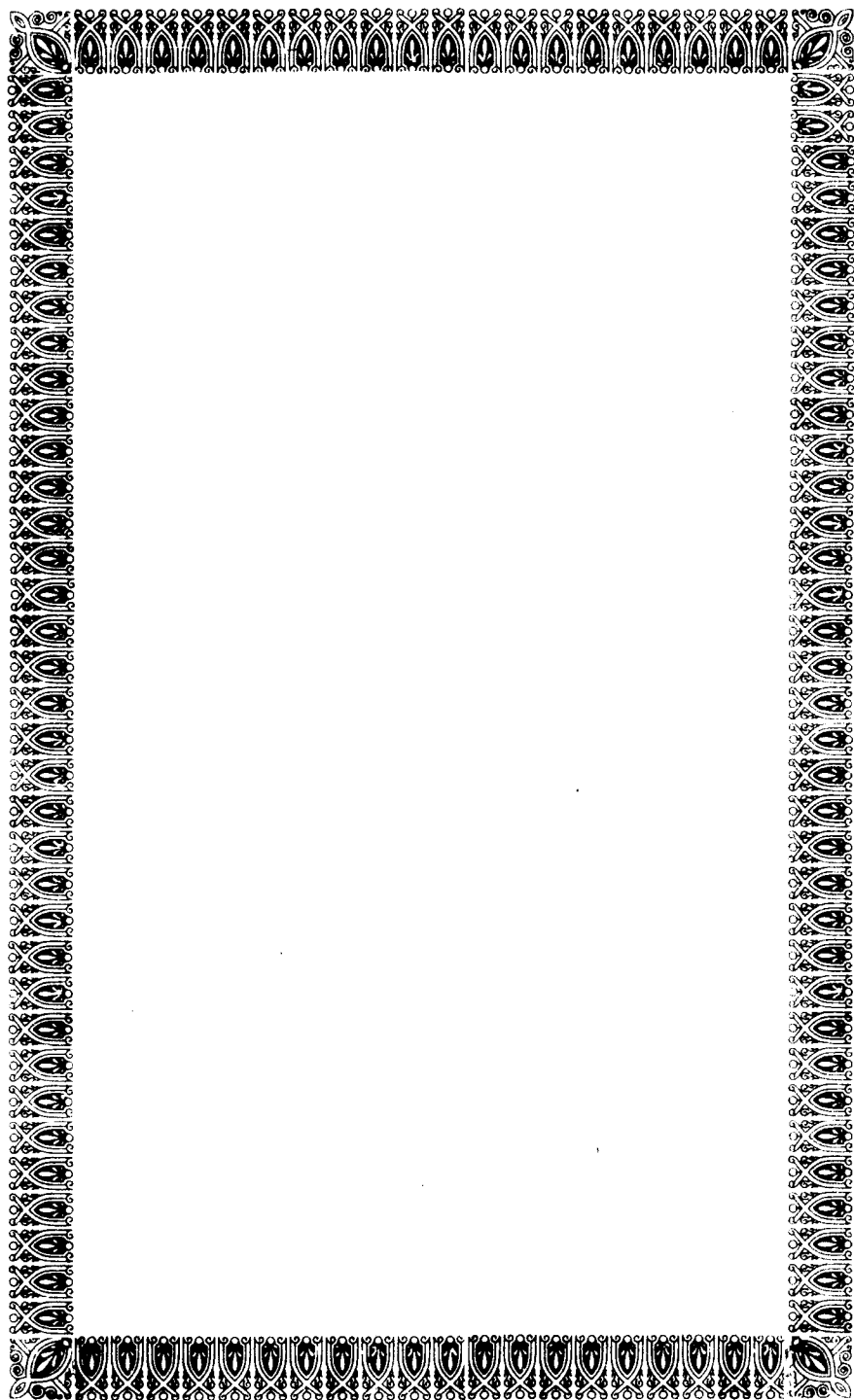
برگردان فارسی پنج نیایش اوستایی

هاشم رضی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران





نیایش‌ها

برگردان فارسی پنج نیایش اوستایی

هاشم رضی



سازمان انتشارات و مهر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

حق چاپ برای مولف محفوظ است

چاپ رشدیه

چاپ دوم این کتاب در پائیز ۱۳۵۸ با سرمایه جاویدان
توسط سازمان انتشارات فروهر به پایان رسید . —

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۲۳	خورشید نیایش
۲۶	مهر نیایش
۳۱	ماه نیایش
۳۶	آب نیایش
۴۰	آتش نیایش
۴۴	سروش باج

در خرده اوستا ، کوشش و تلاش هیربدان و موبدان
بر آن بود تا بر پایهٔ روشهای دیرپای و نوشته های باستان
سرودهایی برای نیایش گرد آورند .

نمازها ، سرود های نیایش و آیین های برگزاری
جشن ها ، بدین سان فراهم شد . در این میان پنج نیایش
برجستگی و پایگاه ویژه ی یافتند ، - چون برگردانی بودند

پرونیق از روح ایرانی . در پنج گاه روز ، شیفتگان این
آیین ، یابتر بگویم دل باختگان این شیوه اندیشه ، خداوند
را - «اهورامزدا» را ، در درون زیبایی هایش ، بازبان دیرپای
اوستا می ستودند .

این سرودها از دل نیایش گران برمی خاست . نماز
خداوندگار - مزدا اهورا بود ، - وستایش آفریده ها و دهش
های زندگی ساز و شادمانی آفرینش .

پیش از این ، نیایش ها بدین گونه که اکنون فرادست
داریم ، دستاوردمان نبود . وجود داشت و در سرودها به
استواری پیراسته بود . ودستی می بایست تابادست چینی ،
برای نیایش هایی آراسته شان گرداند .

نیایش ها و سرود هایی که برداشت دین و آیین را از
دیدگاه پارسیان بنمایاند . سرود هایی که شادی نوازی ،
بزرگداشت زندگی ، گرایش به پرستش درست اهورامزدا
را در آیین زرتشتی بازگوید .

مهر تابنده روشنی گرو گرم نواز ، خورشید شکوه آسا
و نگین آسمان وزداینده تاریکی اهریمنی ، آتش لعل گون ؛
آن دشمن سرسخت اهریمن ، آن کارساز بی بدیل زندگی ،
ماه - رویانگر گیاهان و الماس آب گون آسمان - و پیکارگر
اهریمن در پهنه گاه غبار تاریکی ، - و آب ، پایه زندگی ،
رود پیرایش دهنده زمین ، داده اهورایی برای پایداری و

شادمانی - این‌ها و دیگر آفریده‌ها و داده‌های اهورامزدا
در این سرودها ستوده شدند.

چون ستودن این عناصر نیک که آفریده اهورا بودند
و هستند، ستایش اهوراست. زرتشت، آن بزرگ‌مرد
اندیشمند چه نیک دریافت که صوفی‌منشی و دریوزه‌گری،
ریاضت‌کشی و تن‌پروری، پشت‌کردن به شادمانی‌های
زندگی و سود نبردن از زیبایی‌های اهورا داده، نفی کردن
خداوند و ناسپاسی بدوست.

اهورا مزدا زندگی را برای شادزیوی پدید آورد -
و آفریده‌های زندگی ساز و آسایش‌بخش را برای سودجویی
و بهره‌بردن مردمان آفرید.

نیایش‌ها نیز که این‌چنین پدید آمدند، ستایش همه
نیکی‌های زندگی و داده‌های اهورایی است - نیایش‌ها
سرشار از بیانی شاعرانه می‌باشند. فراهم‌کنندگان نیایش‌ها
به راستی، راهی نوین گشودند از برای نزدیکی به خداوند
راهی که نیایشگر را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد.

آنان‌گرد موهوم‌راه سپری نکردند. مفاهیم و سخنانی
به کار زدند که به راستی نزدیک‌تر بود و هنوز نیز پس از
گذران بیش از پانزده سده، دلپذیر و اندیشه‌گیر است.
و این‌ها هستند نیایش‌ها، بیان ستایش آمیزی که
بر مبنای مفاهیم اوستایی گرد آمده و نوشته و مدون شدند.

وهرپگاه وبامداد ، نیمروز و پس از نیمروز ، و آن
گاهی که خورشید پس کرانه های دوردست آسمان پنهان
می شود؛ زرتشتیان نیایش هارامی سرایند: می ستایم مهر را -
که پیمان مندی و دوستی و دلیری را نگهبان است - و خورشید
که زرگون گرم افزا و گوهر تابناک رخشنده آسمان و
پالایشگر زندگی است - و ماه را که الماس آبگونه پهنه های
لاجوردگون است - و آتش را که اخگر سرخ فام زندگی
است - و آب را که شاهرگ پیوندگر سینه زمین است - ، و
آن اهورا مزدا ی بزرگ جهان آفرین که ویژه اوست پرستش
وبس .

پیش‌گفتار

اوستا این زمان آیین‌ی است فرا راه‌ما . آیین‌ی
که در آن بنگریم ، و هزاران سال گذشت زمان کارسازمان
را در آن ریزه نگار شده بینیم .

اوستای ما ، این آیین زرخون روشن ، در درازای
چهارده سده واپسین تاریخ ، زنگارگونه وگردآگین شده

باهمه کوشش زنگار زدایان دویست ساله اخیر و کار پردازان چیره دست ، این گوهر رخشان دور دست های بستر زمان ، هنوز تابندگی دیرینه را باز نیافته . اما روشنی و درخشش آن پنج قاره جهان را فرا گرفته .

هنرمندی که کار ابزارش را فرادست می نهد و با نرمش ویژه یی به کار می پردازد تا آن تابندگی ژرفای چنین گوهری را دریابد ، شیدا و واله می شود . شیدای زربنه زمانی که مردانش این گونه سرودمی گفتند برای زیبایی ها ، برای آفریده های کارساز زندگی ، برای خدایی که این چنین سفره رنگارنگی را در گرو زندگی خوش و شادمانه شان گسترده است .

**

همه می دانیم که دست بیداد زمان ، چه آسیب ها و آشوب هایی که بر او ستا وارد نکرده است . چون میهمانی در آن روزگاران کهن ، بر خوان بیگانگان آزمندوبی شکیب نشسته . چون آموزگاری در بستر پر آشوب زمان ، بر بر هارا به آدمی گری و فرهنگ کشانده . چون گنجی پر گوهر تهی دستان آیین ساز تاریخ را وام داده . چون نسیم گذران

از گلزار بهاران ، چامه سرایان را الهام بخشیده ، چون دانشمندی خردمند، فلسفه نوحاسته جهان باستان را سیراب ساخته . چون مادری مهربان ، خردمندان روزگار را در دامن پرورش داده . و اینک چونان پیکره جهان‌نیده کهنی، فروزه‌ها و تابش‌های جوانی و دوستاری و سازندگی نوین را برمی افشانند .

دل شکیب و آزاده ، از بند بستگیِ تورانیان رهایی یافت . بردوازده هزار پوست آهیخته گاو ، به آب زر نوشته شد . در دژنپشت شاهی نوازش سان آرمید و در دل هزاران هزار مرد پارسی نگاشته ماند .

آنگاه دست بیداد ورشکین زمان ، از آستین درآمد . اهریمن ، کارگزاری از دیوبچگان را ، در چشم و دل ، از شهوت برگماشت . او ، اسکندر گجستک بود . اوستا ، خانه‌اش ویرانه شد . بردگان تازه به دوران رسیده تاریخ ، به بردگی ، بدانسوی دریاهایش بردند .

پس خردمندان و گوهرشناسان آن سرزمین ؛ ارز و ارج گوهر را دریافتند . تراشش دادند و پیراستندش .

زرگران یونان زمین نشانواره پارسی بی مانندش رازدودند و
 به داغ یونانی اش آراستند و درجهان بدان بالیدند .
 در دل مردان پارسی سپرده بود . گجستگان در آغوش
 مردمی ساز خاك پارس گم و بی نشان شدند . پارسی مردان
 گرد آمدند و تکه ها و پاره های گوهر ربوده شده اوستارا از
 سینه هاشان بیرون ریختند . پس هنرمندان به ریزه نگاری
 پرداختند و دگر بار اوستارا فراهم کردند که می توان سر آغاز
 درفشداران را بلاش نخست دانست .

و این رشته سردراز دارد .

در زمان ساسانیان کوششی بسیار به کار رفت تا اوستا
 چون نخست گرد آید . خردمندانی گرد آمدند . هیربدان
 به کوشش پرداختند . شاهان ، شاهانه زرافشانند و سود
 حاصل این پی گیریها ، بدست آمدن بیست و يك نسك اوستا
 بود .

این بیست و يك نسك ، گوهری در تارك داشت به نام
 گانه ها ، سرودهای شکوهمند بزرگمرد داناى ایران، یعنی
 زرتشت .

سینه آویزی داشت رشته ازماس های تراش دار
خیره کننده‌یی به نام یشت‌ها، نمونه های سرودهای غنایی و
غزل های هوش ربا . ویسنا ، سرود های دینی ، - و خرده
اوستا ، ریزه نگارینی تازه چون گوهری برویۀ آن
گوهر کهن .

در زمان ساسانیان برای گردآوری اوستا کوششی
فراوان شد. این کوشش‌ها سودی که فراهم کرد ، اوستای
بزرگ ساسانی بود . اما به موازات این تلاش پی‌گیر ،
دانشمندان بر آن شدند تا اوستای کوچکی نیز فراهم آورند
تا پاسخ‌گوی نیازمندیهای نیایشی توده مردم باشد . به این
معنی که دعایی یا نیایش‌هایی فراهم کنند که از سرچشمۀ
اوستای قدیم سیراب باشد و دعا‌هایی را ارائه کند که در
هنگام‌های گوناگون مردم بخوانند .

بدیهی و آشکار است که برای نزدیکی به خداوند ،
برای نماز و نیایش ، و راز و نیاز با خداوند ، وسیله‌یی لازم
است و این وسیله جز سرود یا دعا یا نیایش نیست .

در این زمینه نیز کوشش دین آگاهان سودی فراراه
دین‌گرایان کرد و آن اوستای کوچک یا خرده اوستا بود

که دعاها و نیایش های گوناگونی را در بردارد. نامی ترین این نیایش ها پنج سرود است برای پنج عنصر بزرگی که اهورا- مزدا برای آسایش و بهره یابی مردمان آفرید. این پنج آفریده عبارتند از : مهر و ماه و خورشید و آب و آتش . ایرانیان از دیرباز عناصر را بدیده احترامی ژرف می - نگریستند. زرتشت نیز هر چند در رستاخیز خود زیاده روی و غلو در نیایش را برای این عناصر که به پرستش می انجامید منع کرد ، اما با این حال تأکید در احترام این عناصر را که کار ساز جهانند و اساس آفرینش ؛ ابلاغ فرمود .

هنگامی که دینداری ماه را نیایش می کند ، در واقع اهورامزدا را ستایش می نماید. یا وقتی که مهر و خورشید و آب و آتش نیایش می شوند ، آفریده های سودرسان و نیک خداوند هستند که بزرگداشت می شوند .

از سویی دیگر میان نیایش و ستایش تا پرستش فاصله بسیاری است. پرستش ویژه خداوندگار «اهورامزدا»ست. ستودن برای امشاسپندان و ایزدان است - و نیایش وسیله یی است از برای پرستش و ستودن .

در نیایش‌ها می‌گوییم : پرستش است ویژه اهورا -
اهورامزدایی که آن خورشید درخشان را آفرید و ماه را و
آب را و آتش را .

باری در زمان ساسانیان کتاب یا مجموعه خرده‌اوستا
که گردآورده‌ی ازادعیه بود فراهم گشت . در این مجموعه
پنج نیایش و سروش باج گردآوری و برگردان فارسی شد .
باشد تا مورد توجه واقع شود .

می‌ستایم خورشید را که آفریده اهورامزداست

خورشید نیایش

پیروز و فرخنده باد خورشید درخشان ، خورشید
بی‌مرگ ؛ و خورشید تیزاسب .

با اندیشه و گفتار و کردار نیک ، به‌سوی خورشیدروی
کرده و می‌ستایمش . ای اهورامزدا ، خورشید درخشان

تیز اسب را می ستایم که آفریده توست .

و ستایش بر شما باد همگان - ای امشاسپندان که به
سان خورشید ، شکوهمند هستید . منم رهرو راه اهورامزدا ،
که درخشش روشنایی خورشید - فروغ اوست ، - و منم بر
افکننده و خوارکننده انگره مینو - و این است راه پارسایان ،
راهی که اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک را می آموزد .
منم ستاینده نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری
باهمه جان و روان ، - منم گریزنده از بداندیشی و بدگفتاری
و بدکرداری ، باهمه جان و روان . اکنون سرود می خوانم و
نیایم می کنم برای شما ای امشاسپندان ، و پیش کشتان
می کنم اندیشه و گفتار و کردار نیک را .

می پرستم اهورامزدارا ، و ستایش می کنم امشاسپندان
و مهر ایزدرا که دارنده دشت های فراخ است ، و خورشید
تیزاسب درخشان را ، و ستایش می کنم روان آفرینش را و
کیومرسانسان نخست را - و می ستایم آن فروهر پاک زرتشت
را - و ستایش من باشد برای همه آفریده های نیک و پاک که
بودند و هستند و خواهند بود

برگزیده ام راه راستی را ، راه نیک اندیشی را ، و آن

راه نیرومندی را - اکنون در پرتو این گزینش ، ای مزدای
بزرگ، مرازندگی بهی بخش، و در واپسین یاریم کن . اینک
دست‌ها را به‌سوی خورشید ، آن درخشان‌ترین برمی‌آورم
و سرودگویان می‌ستایمش .

برایش سرود می‌سرایم ، برایش سرود می‌خوانم ،
این چنین : -

خورشید جاودان تیزاسب را می‌ستایم که دارنده
دشت‌های فراخ است . خورشید را می‌ستایم که زرین و
درخشنده است ، که نام‌آور ، و دارنده هزار گوش و ده‌هزار
چشم می‌باشد، که بی‌خواب ، همیشه بیدار، شاه‌همه‌کشورها
تیرنگر و زیبا و بازیب و فروبلند بالاو خوش‌پیکر است .

اهورامزدا، میانه ایزدان، او را درخشان‌ترین بیافرید
باشد که به‌یاری ما در آیند، اهورامزدا و آن فروغ جاویدانش
ستاره باران‌زای تشر را می‌ستایم ، که پیش‌آهنگ
خورشید در آسمان است ، که تیزنگر و باشکوه و درخشان
است . تشر را می‌ستایم و ستاره‌هایی را که گردش جای دارند
و آن ستاره دیگر - و ننت‌مزدا آفریده‌ها .

سپهر بی‌پایان را ستانیده‌ام ، و زمان بی‌کران را که

جام سپهر است . پاکی را می‌ستایم ، و دانش را که مزدا
داده است و نمایانندهٔ راست‌ترین راه .

ستایشگر آیین بهی مزدا پرستی هستم ، می‌ستایم همهٔ
ایزدان مینوی را، و همهٔ ایزدان این گیتی را - می‌ستایم روان
خودم را، و فروهرم را - و همهٔ فروشی‌های پاکان و پارسایان
را، و ستایشم برای آن خورشید فروغمند بی‌مرگ تیزاسب
باشد .

ستایشگرم آن خورشید جاودانهٔ تیزاسب را. می‌ستایم
خورشید را پگاه ، آن هنگامی که زرینه پرتوش گیتی را
درخشان می‌سازد . ایزدان بلندپایهٔ مینوی ، سدها و هزارها
از آن ایزدان ، آن ذره‌های روشن تابناک را که از چشمهٔ
خورشید می‌تراود ، از سپهر بالا ، بر زمین می‌گسترانند ،
به زمینی که دادهٔ اهوراست .- و این نور که از چشمهٔ خورشید
بربستر بال ایزدان ، برپهنهٔ زمین سرازیر می‌شود ، تن و
پیکر زمین را از غبار تاریکی و آلودگی‌ها می‌شوید و گیاهان
در جام خاک، این انگبینی را که از چشمهٔ خورشید ره‌آورد
شده می‌نوشند و می‌بالند .

و این روشنی زرین - پاک‌کننده است ، آن چنانکه

زندگی بخش می باشد . پاك می کند آب های روان و ایستاده
را : آب چاه ها ، کاریزها ، دریاها ، برکه ها و رودها را .
و این خورشید زرینه بال تیزاسب بی مرگ را
می ستایم ، که هرگاه رخ نمی نمود و تاریکی اهریمنی را
که پیکر زمین را پنهان ساخته بود ، نمی زدود ، - دیوان
آن چه را که در هفت کشور هستی داشت به تباهی می کشیدند
و ایزدان مینوی نیز توانایی نداشتند تاراه گیرشان باشند .
کسی که می ستاید خورشید را ، یا ریش می نماید
تا در برابر تاریکی ، تباهی دیوان و راهرنی دزدان نیرویی
دوچندان یابد .

او که می ستاید خورشید را ، مرگ را از دروازه
زندگی خود می راند ، ستایش خورشید ، ستودن اهورا -
مزداست ، ستایش امشاسپندان است و ستایش آن فروهر
بلند پایه خود . او که می ستاید خورشید بی مرگ تیزاسب
را ، می ستاید همه ایزدان مینوی سپهر بالا و زمین را .
ستاینده ام آن مهر ایزد را ، که دارنده دشت های
فراخ و گسترده است ، - که ده هزار گوش دارد - و ده
هزار چشم - و اوست که جنگ ابزارش گریزی است

دیو افکن . با همه جان می ستایم مهر ایزد را ، و دوستی
و همگرایی را ، آن دوستی بی ریو ورنگ و بی آرایش
را ، هم چونان دوستی بی که میانه ماه است و خورشید.
زربنه پرتوش گیتی گستر است آن خورشید تابنده
بی مرگ تیزاسب . می ستایمش که اورنگ جهان است ،
که فرش پایانی ندارد . می ستایمش با همه آیین های
دین و با گفتار و کردار و اندیشه نیک .
ستایشگرم آن مردان و زنانی را که نگاهدارنده
آیین و به جا آورنده آیین های دین اند . آگاه است
مزدا - اهورا ، آن بهترین ، از این شایسته ترین مردان و
زنان درست آیین .

می‌ستایم مهر را که آفریده اهورا مزداست

مهر نیایش

برای خشنودی اهورا مزدا ، می‌ستایم او را با
بهترین نمازها ، - وستایش ، - بلند آوازگی و پیروزی باشد
برای مهر ایزد - ایزدی که مینوی است و داور روز پسین که
هزار گوش دارد و ده هزار چشم و دارنده دشت های فراخ

است .

می ستایسم مهر ایزد را ، و درود و ستایش می کنم
ایزدی را که دارنده دشت های فراخ است ؛ که چراگاههای
سبزگون و گسترده اش برگاهواره زمین آرامش بخش است
و آسایش دهنده .

ستایشم پیش کش آن ایزدی که نگاهبان راست ترین
گفتار است ، - که نیکویی هایش از شمار فزون است :-
پیکرش برازنده و بلند و استوار . - و با هزار چشم ، بینای
دورترین دورهاست ، - که همیشه بیدار و بی خواب است .
که چون نگینی زرین پیرامون کشور را فرا گرفته ، که
نگاهبان پیمان هاست ؛ که همواره همه جا هست :- در درون
کشور و بیرون کشور و فراز و فرود آن .

می ستایم مهر ایزد را ، و آن اهورای بزرگ بی همتا
آفریننده آنرا ، - می ستایم با آیین دین ، باشاچه های
سبز برسم - ماه را ، و آن خورشید را ، ستارگان را و مهر را
که سرور همه کشورهاست .

می ستایم با همه جان ، آن ایزدی را که شکوهمند
است . - می ستایمش با آیین دین ، آن ایزدی را که دارنده

دشت های سبزه رسته فراخ است . که آسایش بخش و
نگاهبان سرزمین ایران است .

می ستایم مهر ایزد خوش پیکر نیرومند را که هیچ گاه
به دام فریب پای نمی افکند . می ستایمش که ره آورد ما
می سازد آن بهترین بخشش های اهورایی را : - آزادی و
بهروزی و رهایی در داوری و تندرستی و پیروزی و پاکی و
پارسایی .

من می ستایم - می ستایم آن ایزد فرازین پایگاه
گرفته را ؛ با همه جان و نیرو می ستایم آن نیرومندترین و سود
رسان ترین ایزد را با آیین های دین ، با سرود های دل -
انگیز از جان خاسته که با بهترین گفتارهای آیینی بهم آمیخته -
این همه را برای ایزد مهر که دارنده دشت های فراخ است .
و مزدا - اهوراست که همه آگاهی از کردار های
راستین ستایشگرانه مردم دارد ، - و پاداش اهورایی از آن
زنان و مردانی است که نگاهداری آیین های دین شان ، و
ستایش آنان برای مهر ایزد به راستی و درستی باشد .

می‌ستایم ماه را که آفریده اهورامزداست

ماه نیایش

پیروز و فرخنده باد گردونه زیبای ماه . پیروز و
فرخنده باد وُهومَنَه ، آن امشاسپند بلند پایه ، و آن ایزدان
ستایش شده : ماه و گوش و رام .
ستایش از برای امشاسپندان و ایزدان ، و پرستش

ویژه از برای اهورا مزدا . می ستایم ماه را میانه سپهر
بی پایان- هنگامی که پدیدار شود ، می ستایم ماه را میانه
آسمان هنگامی که به گونه گوی درست در آید .

برای خشنودی اهورا مزدا ، می سرایم بهترین
سرودهای دین را که : پیروم آیین مزدا پرستی را ، آن
آیینی که آورده زرتشت است ؛ - آن آیینی که پیکارگر
است با دیو پرستی ، - و آن کیشی که می آموزد ستایش
و بزرگداشت همه جانوران سود رسان را .

با زبان جان می سرایم سرودهای پرستش را برای
اهورا مزدا ، و سرودهای ستایش را برای امشاسپندان و
ایزدان .

، - و ستایش ویژه ام باشد برای ماه ، ماه گوی -
چهره ، سرود می گویم چون در آسمان پدیدار شود .
سرود می گویم هنگامی که به میانه سپهر پر شود . چون
پدیدار شود کمانی باریک است ، پس روزهایی نیرو
می کند ، تا این کمان پر شود ، یک نیمه ، و آنگاه دو
نیمه بهم آمده ، چون یک گوی تمام . از آن پس از گوی
تمام کاسته می شود ، روزهایی می گذرد تا دگر بار همان

کمان نازک شود. دو زمان برابر: پانزده روز کمان نخستین
گویی تمام می شود ، و پانزده روز گوی تمام به کمان نخستین
دیگر گونی می یابد . ای اهورا ، پرستشگرم تو را ،
که این چنین خواستت روان است ؛ و کیست جز تو که
این چنین کند ؟ .

ای اهورا مزدا ، می ستایم این ماه گوی مانند را که
آفریده توست، که نمایانگه پاکی و زیبایی است . می نگرم
روشنایی سپید گونه و نوازشگر آن را ، که چه سان
امشاسپندان از سپهر بی کران به زمینش می گسترند ، به
زمینی که آفریده اهوراست ، - و این روشنایی چون بر
بستر زمین می قنند ، گیاهان را می بالاند و می رویاند و به
زمین جامه زیبای سبز گونی می پوشاند.

می ستایم این گوی روشن آسمان را . برای شکوه
و فرش . برای فرخندگی و زیبائیش. سرود ویژه نیایشش
را می سرایم با زبان جان ؛ در سه گاه : - به هنگامی که
چون کمانی در سپهر پدیدار شود ، به هنگامی که این کمان
پر شود ؛ و زمانی که مانند گویی تمام در پهنه بی کران
سپهر ، دیدگانم را روشن کند . می سرایم ترانه ویژه

نیایشش را این چنین :-

ستایشگرم آن گوی روشنِ پاك را - که به همه
چیز زیبایی و تازگی می‌بخشد ، - که سپیدگون روشنی‌اش
گیاهان و درختان را برویاند و ببالاند و سبز و تازه
گرداند، که دانش و خواسته را بیفزاید و روشنایی‌اش
بیمارگونگی را از تن و روان بزدايد.

ستایش باد ماه را ، آن پیروزمند نیرو زای
روشنگر را ، - و پیروزی و پایدگی باد جانداران سود
رسان بهره دهنده را .

ستایشگرم ماه سودرسان اهورا آفریده را .
خواستارم که به بخشایی ما را تندرستی و دیر زیوی ،
نیرومندی و پیروزمندی ، - نیروی پایداری را در ما
برانگیز - و تو که بخشاینده‌یی دارندگی و خواسته را ،
چارپایان ما را در رمه‌ها انبوه گردان . در خانه هایمان
پسران و دختران ستر سینه و بلند بالا و زیبا را فزون
گردان ، تا نیرومند باشیم و در پیکار زندگی پیروزگر ،
نه بخت برگشته .

تو ای ایزد بلند پایه - و شما ای همه ایزدان اهورا

آفریده - ترانه ستایش ما را با آوایمان بشنوید ، و
ستایندگانِ نیکی را پیروز بخت سازید.

ستاینده ام ماه ایزد روشنگر را ، با همه آیین های
دین : - با شاخه های سبزه گون برسم در دستی و شیرۀ
هوم با شیر آمیخته بر دیگر دست ، و ترانه ستایش و
سرود ویژه بر زبان .

و مزدا - اهوراست که همه آگاهی از کردارهای
راستین ستایشگرانه مردم دارد ، - و پاداش اهورایی از
آن زنان و مردانی است که نگاهداری آیین های دین شان ،
و ستایش آنان برای مهر ایزد به راستی و درستی باشد .

می ستایم آب را که آفریده اهورا مزداست

آب نیایش

ستایش می کنم تو را، ای آردویشور اناهیتا. می
ستایم تو را که نمایانگاه همه آبهای پاک و درخشانی. و نمازت
می گزارم برای خشنودی اهورا مزدا که آفریده اش هستی
بپرستیم اهورا مزدا ی فرهمند و روان اراده را ، -

و بستاییم همه آب های پاك را كه داده اهوراست، و آن ایزد
بزرگ را كه آبهای مزدا داده را زیرگام دارد و سرپرست
است - و بستاییم همه امشاسپندان را، و ایزدان مینوی سپهر
منش و گیتی منش را - فروهرهای پارسایان را كه نخستین
گروندگان آیین بودند، - و زرتشت را و خاندانش را.

ستایشگرم آب پاك سودرسان زندگی ساز را .
ستایشگرم آن اَرِدوِ دِ سَور اناهیتارا، آن نگاهبان شایسته آب -
های نیالوده گیتی را، - و آن آب پهنه گستر زمین را كه
سازنده زندگی است، كه چشمه زاینده نیروست از برای
تندرستی، - كه چون فروریزد دیوان را نابود سازد، و چون
روان شود. ناپاکیها و آلودگی هارا نیست گرداند.

اینك بستاییم اناهیت را، ایزد بلند پایه شایسته را، كه
در پهنه سپهر جای دارد، كه در بستر زمین روان می شود، كه
نیرو می بخشد تن را و روان را، كه جنبش و زندگی می دهد
گیتی را، می رویاند گیاهها و سبزه ها را، كه بدان گله ها و رمله ها
افزایش می یابند، كه خواسته مردمان افزون می گردد؛ كه
کشور آبادان و نیرومند می شود.

بستاییم ایزد بغانو اناهیت را، كه نگاهبان زنان است

ودربه سازی نژاد کارساز است . که نیروی سازنده زندگی
را در مردان پاك می کند، و در خور می سازد تا در درون زنان
بارور شود.

ستایش کنیم ایزدی را که درد زایش را در زنان می
کاهد، که سینه های زنان زاینده را پر شیر می سازد که چشمه
زندگی است برای کودکان نوزاد. و ستایشمان بر آن ایزدی
که بزرگ است، بزرگ و پاك؛ چونان همه گیتی که از فرازین
گاه بلندبهای زمین روان باشد.

بستاییم آن ایزد توانمند اهورا آفریده را - که سترک
است، سترک چون همه آبهای ناآلوده و پاك که از ابرها سرازیر
شده و بر سینه زمین چون رودها و چشمه سارها و دریاها و
دریاچه ها آرام یافته اند. آرام در زمین های هفت کشور - و
می پیرایند زندگی بالنده را، پاك می کنند نهاد مردان را،
و زنان را، و تو انسان می نمایند شیر زنان را.

سرود پرستش سراییم برای اهورا مزدا - و بستاییم
آب زندگی ساز را در پیکره ایزدی چون آناهیتا - که میراند
آبهارا در بسترهاشان بر سینه زمین، چونان رگ های پر خون
زنی جوان - آب هایی که روانند در زمستان و تابستان.

باشد که فروشی های پاکان، همه پاکانی که در گذشته
بوده اند، گروهی که زاده شده اند و هستند. و فروشیان زاده
نشده ای که در آینده خواهند بود، با توانمندی سرمدی
یارمان شوند و آبهای زندگی ساز را همراه در بسترشان
را هوار کنند.

کار سازی آب نیالوده اهورا آفریده، به بداندیشگان و
بد گفتاران بود کرداران درنگیرد. سودش وابسته بدخواهان
و نیکان و پویندگان راه راستی نشود.

آب، این آفریده نیک ترین اهورایی، گره گشای این کسان
نشود: - آنانیکه جانداران سودرسان راگزند کنند، آنان که
با آزمندی خواسته دیگران را بربایند - یا مردان را بکشند -
یا جادو سازند - یا پیمان شکنند و دروغ گویند - یا ستمگری
پیشه کنند یا درویی و رشک و ارگی کنند - و بدفرجامی باشد
برای همه آن کسانی که این چنین اند.

می سرایم سرودهای دلکش را برای آبهای پاک
توانسان زندگی ساز، سرودهایی که سپاسگزاری بندگان
را بازگوید به آن اهورای بی همتا - و آن زرتشت گوهرین
سرشت که راهبریمان کرد به ستایش درست.

ای ایزد پاک، ای اناهیتا۔ سرود می گویم تو را که
 آفریده اهورایی. پیش کش می سازم شایسته ترین کردار۔
 های بجا آورده شده را - و بازبان جان می سرایم این سرود را:
 خواهانم آن برترین را، تندرستی و بی آهوی در
 پیکرا۔ خواستارم آن چیزها را که به زندگی می بخشند شکوه
 و آسایش، که گله و رهمه ام انبوه شوند، درخانه و کاشانه ام
 شادمانی و پرخواستگی ریشه گیرد. فرزندان زیبا پیکر و
 نیرومند داشته باشم. و این همه را خواهانم نه برای بیراهگی
 رفتن و زیان رساندن دیگران؛ خواستارم برای بزرگداشت
 زندگی۔ و کامیابی درست از این بهترین داده اهورا مزدا.
 دست هایم فرا روی پیکرم، و فراسوی پهنه گاه
 نیلگونه آسمان است. ای اهورای بی همتا به بخشای به ما همه
 نیکی ها و آسایش ها و سودها را .

ای امشاسپندان، و ایزدان و فر و شیان۔ فراراهمان سازید
 آن نیکوترین داده های اهورایی را - و بپذیرید این سرودها
 را و توانمندان سازید تا نگاهبان باشیم بهترین آیین راستی را.

می‌ستایم آتش را که آفریده اهورا مزداست

آتش نیایش

ستایش پاکِ تورا باشد ، ای آتشِ پاکِ گهر ، ای
بزرگترین بخشوده اهورا مزدا ، - ای فروزیهی که در
خوری ستایش را .

می‌ستایم تورا ، که در خانه من افروخته‌یی ، سزاواری

ستایش و نیایش را .

برابر تو می ایستم برای نیایش با همه آیین های
دین : - به دستی برسم - و به دیگر دست چوب خوش بوی
خشک که زبانه اش روشن ، و سوزشش بپراکند بوی خوش
را ، و توای سزاوار ستایش بهره مند شوی از درخشندگی
آن به هنگام سوختن و بوی خوش آن .

به نگاهبانی تو ، بایستی پارسایی آراسته و بادانش
و هنگ گماشته باشد ، که به سراید برای تو این ترانه را :-
توای آتش اهورا مزدا ، توای جلوه گاه آن بزرگترین
سزاوار ستایش ، فروزان باش در این خانه ، همواره پرتوت
بازبانه های سرخ فام رخشنده باشد در این خانه ، همیشه ؛ و
همیشه ، تا زمان بی پایان .

توای ایزدی که نزدیک ترینی به اهورا ، کام ها و
خواست های ما را بر آورده سازد . آرزوهایمان را که از
زبان برمی آید ، بازبانه آسمان سایت هم بستر ساز تا کامیار
شویم :

آرامش و آسودگی را پیش کش ماساز :- آسودگی در
زندگی ، فراخی در روزی ، پاکی و استواری در دین ،

گفتاری رسا و آوایی خوش ، و از پس آن دانش ، دانشی
که به سوی زندگیِ خوش و بهتری راهبرمان گردد .

به بخشای به ما بهترین رفتار و کنش را : - که دلیر و
بیکارنده و نیرومند باشیم ، که با فروهنگ باشیم ، که در
نور دانش راه سپریم ، - که در خانه های ما فرزندان
زورمند و زیباپیکر و گویا و رزمنده در راه کشور ، با هوش
و دانش - و اندیشه و گفتار و کردار نیک زاده شوند ؛ - که
در یابند خانه و خانواده و دهکده و کشور ما را .

ای ایزدِ بزرگ ، ما را همواره دریاب ، به بخشای به
ما آنچه را که کامیاری دهد ، آنچه را که رستگاری دهد و به
روزی و به زیستی آورد . به زه مند کن ما را از بهترین زمین ها
که در آن خانه های پر آسایش برپا سازیم ، و دریاب روان
ما را که آرامش داشته باشد و راه پاکِ پارسایی را بسپریم .
در مهربانِ خانواده ، در آتشگاهِ آتشکده - آتش روشن
و تابنده اهورایی زبانه می کشد . نیایشگران به درگاهش
سرود می خوانند - واو خواستار است تا بهترین چوب
خوشبوی و خشک را بر بسترش نهند و درودش گویند با برسم
در دست گرفته و هوم آمیخته به شیر .

آن‌گاه است که نیایش کنندگان ، به‌گوش جان
می‌شنوند آوای آرامش بخشِ آتش‌را که :
برخور دار باشید از خواسته و دارندگی . دشت
هایتان‌پر باشد از انبوهِ گله‌هایِ گاو و گوسپند ؛ چونان زمین
هایی که برسینه‌گاهشان از درختان و گیاهان - بیشه‌های انبوه
پیداشده .

برخوردار باشید از اندیشه‌یی روشن و هوشی زیاد -
و آزادگی و سرفرازی - و نیرومندی و دلیری . برخوردار
باشید از دشت های انبوه و بهره‌دهنده - و از خانه های
گسترده و زیبا و پرآسایش که آوای فرزندان دلیر از آنها
برخیزد، که آرامش بخشد شمارا ، و کشور را .
چون نیایش کنندگان ، این چنین شنیدند باگوشِ جان ،
آفرین ایزد بلندپایه را ، برای واپسین بار ، نیایش می‌کنند ،
این چنین :-

درود و ستایش به تو ، ای آتش اهورامزدا . می‌ستایم
این روشنی پاک و درخشان را ، اینک که به ما آشکاری ،
توان و نیرویمان بخشای تاب‌ترین اندیشه و گفتار و کردار

راداشته باشیم . یاریمان ده که بادی وزشتی و دروغ پیکار کنیم
روان مارا پالوده گردان از بدی و راه بی فرجامی تاشایسته
پرستش اهورای بزرگ باشیم ،

سروش باج

سروشِ پاك را ستايش مى كنم ، كه نيرومند است
و جنگ افزارش كلامِ پاكِ اهورا آفریده مى باشد .
و مرا پاسخ گوید اى دين آگاهان كه نيرومندی
سروش چگونه است ؟
تو را پاسخ مى گويم - اى پوينده راستى ، -

همان گونه نیرومند است که يك پارسای دین آگاه به موجب
پاکی و پارسایی اش نیرومند است .

اینک ای مزدا ، جز نیایش و نام تو ، جز روشنایی
راه تو ، آن کیست که مرا نگاهبانی خواهد کرد از دروغ گو
و برانگیزانندگان دیو ؟ - ای اهورا ، مرا آگاه گردان ،
آن کیست که برانگیخته توست و ما را رهایی می بخشد
از دروغندان ؟ - آری ، مرا آگاه گردان ای اهورا - و
برای او می خواهم که نیک اندیشی و کامیابی فراگیردش .

اینک ای مزدا ، خواست مرا بر آور . پیکرمان را
بیمانه دوستی و مهر و راستی گردان . دروغ و دروغ گوی ،
دیو و دیو پرست را از ما دور کن ، نابود و نیست شان
گردان و راستی و درستی و پاکی را پیروز گردان .

سنايش باد بر سروش ، که پاك است ، نیرومندا است
و جنگ افزارش کلام پاك اهورا آفریده می باشد .

اینک ای اهورا مزدا ، برای رهروان راه تو
می خواهم :- بر آنان باد فرو و بزرگی ، بر آنان باد تندرستی
و شادکامی ، بر آنان باد پایداری و به زیستی ، بر آنان
باد خواسته فراوان ، بر آنان باد فرزندان دلیر و پهلوان و

ناماور، بر آنان باد زندگانی دراز؛ و بر آنان بادشایسته
ترین مقام راستان، و هزاران بار تندرستی و شادکامی.
می‌سنایم تو را، ای اهورا، و این آسمان پهناور
و زمین گسترده و همه آفریده‌های نیک را.

بخشی از انتشارات سازمان فروهر

نام کتاب	مؤلف - مترجم	بها
زرتشت و تعالیم او	هاشم رضی	۲۰۰ ریال
پیام زرتشت	علی اکبر جعفری	۱۵۰ ریال
سوشیانس	ابراهیم پور داوود	۱۰۰ ریال
گات ها	موبد فیروز آذرگشسب	۷۰۰ ریال
گات ها	پروفسور شوشتري	۴۰۰ ریال
گات ها	ابراهیم پور داوود	۴۰۰ ریال
خرده اوستا	" "	۴۰۰ ریال
گات هـا	" "	۱۲۰ ریال
یسنـا	" دو جلد	۲۸۰ ریال
یشت ها	" "	۹۰۰ ریال
ویسپرد	" "	۱۲۰ ریال
شناسایی زرتشت	مهربان خداوندی	۲۰۰ ریال

نام کتاب نویسنده - مترجم بها

فرهنگ نامهای اوستا	(انسیکلو پدی اوستا)	۲۵۰۰ ریال
فلسفه ایران باستان	دینشاه ایرانی	۱۵۰ ریال
اخلاق ایران باستان	" "	۱۵۰ ریال
آتش در ایران باستان	موبد اردشیر آذرگشسب	۵۰ ریال
پارسیان اهل گتابند	پروفسور طاهر رضوی	۲۷۰ ریال
جغرافیای تاریخی ایران	جواد صدقی	۱۵۰ ریال
سال دینی زرتشتیان	رشید شمهردان	۷۰ ریال
گورش در قرآن و تورات	فریدون بدره ای	۲۵۰ ریال
نیکوکاری در ایران باستان	برهان ابن یوسف	۷۰ ریال
بدانیم و سربلند باشیم	دکتر منوچهر پور	۱۵۰ ریال
گیشهای ایران در		
عصر ساسانیان	پروفسور شوشتری	۲۰۰ ریال
مجموعه اوستا به انگلیسی ستنا		۱۸۰۰ ریال
راهنمای دین زرتشتی	هاشم رضی	۱۰۰ ریال
ادبیات سنتی زرتشتی	" "	۱۵۰ ریال
قصه سنجان (مهاجرت		
زرتشتیان)	" "	۲۰ ریال
گنجینه اوستا	" "	۴۵۰ ریال
ادیان بزرگ جهان	" "	۵۵۰ ریال
عصر اوستا	مجید رضی	۱۸۰ ریال
اشاوهیشنا (پیام		
زرتشت)	مهرداد مهرین	۴۰ ریال

سرمایه جاویدان

جوان ناکام فریدون خسروی که در امریکا به کسب علم و دانش مشغول بود ناگهان درگذشت . جاوید آنکه نام نیکی از خود باقی - و سعادتمند آنکه نقشی بر صفحه زرین روزگار به یادگاری جاویدان باقی گذارد .

روان شاد فریدون خسروی از آن جمله بود ، و خانواده نیک اندیش و روشن فکرش سهمی بزرگ از این خوشبختی دارند که با اختصاص سرمایه‌یی به منظور تألیف و انتشار کتابهای سودمند چنین یادگاری نیکو برای او سرمایه‌گزاری کرده‌اند .

هزینه چاپ این کتاب از تنخواه گردان سرمایه جاویدان خسروی تأمین شده که نامش را جاویدان و خانواده‌اش را شادمان خواهد ساخت .

سازمان فروهر